

## ایالات متحدهٔ پارانوایی ۱. ترجمهٔ میر حسن رئیس زاده

۳۹

نویسندگان آمریکایی، از هوثورن گرفته تا دان دیلو  
تصویری به دور از مدهنه از کشورشان ترسیم می کنند: از  
نظر ایشان ایالات متحده کشوری بوده است به غایت  
پارانوایی و چونان همه پارانوایی ها، در نهایت حق با آنهاست.

آیا ایالات متحدهٔ آمریکا، ملتی پارانوایی است؟ این ایده ایست که  
نورمن میلر<sup>۳</sup> به آن باور داشت، توماس پینچون و دان دیلو<sup>۳</sup> در  
رمانهایشان توصیفش کرده اند و حتی فیلیپ روث در عنوان تازه  
ترین اثرش «توطئه علیه آمریکا»<sup>۴</sup> به آن اشارت دارد. اما این فرهنگ  
پارانوایی که بعد از جنگ جهانی دوم، و در دوران جنگ سرد، از  
پرده برون افتاد به تحقیق بسیار قدیمی تراست و چه بسا، پایه گذار  
«شخصیت ملی» آمریکایی در دوران استعماری باشد. واقعیت این  
است که خصیصه های خاص این روان پریشی، شباهت های خیره  
کننده ای با «سبک» ادبی و سیاسی آمریکایی معینی دارد: خوف از  
سرکوب، روان آشفستگی عظمت (پربها دادن به خود) نیاز به کنترل  
کردن و چیره شدن بر دیگری به شیوهٔ همه توان، برای کاستن از  
تهدیدش، دوری جستن از حمله و یازورگویی، تقسیم «خود» و

«جهان» میان دو بخش خوب و بد، سازوکار فرافکنی و تأویل.

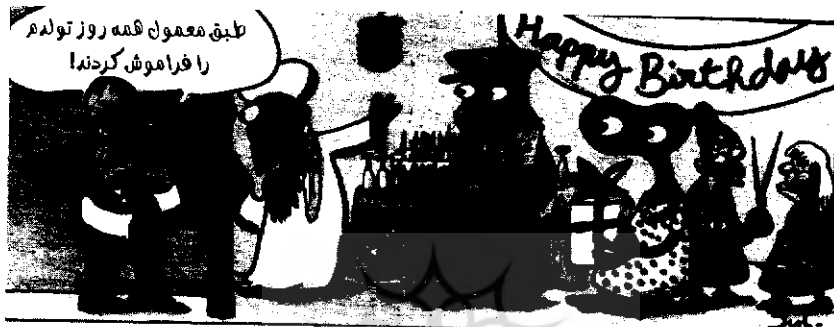
قبل از ظهور ادبیاتی به معنای واقعی ملی در سده نوزدهم، نخستین نویسندگان کولونی های انگلیسی، فضای آمریکایی را به دو قطب تقسیم کرده بودند: کشتزارهای پوریتن<sup>۵</sup>، که حاصل کار زائرانی بود که توسط خداوند «دردنیای قدیم» دستچین شده بودند تا اورشلیم [بیت المقدس] جدید را بنیان گذارند (سرنوشت آشکار)<sup>۶</sup> و ورای این سرزمین: کولونی نشین ها هم همچون عالیجناب شرب که فروید بر اساس او نظریه پارانویش را پروراند، تصورشان این بود که رسالتی الهی بر دوششان قرار گرفته است و فراخوانده شده اند تا جهان را «رستگار» کنند. روستایشان «خود آرمانی» پارانوایی را که جایگاه نیکی و کمال است بازنمایی می کند. گرداگرد این مکان محصور، سرزمین های وحشی دامن گسترده اند، همان جنگل ترساننده ای که «شیطان» درون آن پنهان می شود.

آزارگری از هر قماش. کاتون ماتر<sup>۷</sup> یزدان شناس و تاریخ نگار بزرگ دنیای جدید که خصوصاً در شکار جادوگر<sup>۸</sup> ۱۶۹۲ فعال بود در عجایب جهان نامرئی<sup>۹</sup>، نیوانگلند را به مثابه «دین سالاری» ای توصیف می کند که به وسیله کنش «اهریمن» تهدید می شود. در آنجا، پوریتن ها<sup>۹</sup> [پاک دینان] با یهودیان مقایسه می شوند، قوم دیگری که مورد اذیت و آزار کنشگران اهریمنی قرار می گیرد و قربانی «تهاجم»، قربانی نقشه ای جهنمی و توطئه ای بس هولناک است که باید خنثی شود. و ماهمین حالا با وحشت این «جادوگری» را کشف کرده ایم. ارتشی از شیاطین در قلب کشتزارهای انگلیسیان اخلاص می کند. در آنجا، خانه های مردمان نیک سرشت، آکنده از زوزه های اندوهگین کودکان و خدمتکارانی است که به این وسیله دستهای نامرئی عذاب می بینند و قربانی طعمه شکنجه هایی تا این اندازه ماوراء طبیعی اند. ماتر به بدگمانی ها و روشن بینی های [اقتشرا] الیتی تمسک می جوید که می تواند رمزها را بشکند و به درون اسرار مگو نقب بزند، در واقع دنیای نامرئی دیگری را ببیند که در پس پشت نموده ها پنهان گشته است. او بدین ترتیب «زبان آوری» خاص نویسندگان آزار دیده ای رامی پروراند که لوی استراوس در آزارگری

و هنر نوشتن<sup>۱۰</sup> توصیفش می کند.

اندیشه پارانوایی میان این کژ خیالی که «امردیدار پذیر» واقعیت را تمام و کمال می پوشاند و ایده ای به همین اندازه پریشان کننده، اینکه واقعیت می تواند نگاره ای بدشگون و «دیدار ناپذیر» درون «امردیدار پذیر» باشد سرگردان و دو دل است. پوریتن ها با تقسیم واقعیت میان بُرون بود، پیداو ژرفای ناپیدایش، به ویژه به نشانه، نماد،

۴۱



حروف بازی، رمزنگاشت و تفسیر و تأویل متون مقدس علاقه مند می شوند. همچنین می توان در دهشت جادوگران آنان «درد نشان» میل همجنس گرایانه سرکوب شده را مشاهده کرد که درست همان میلی است که فروید در روان آشفته گی شربر یافته است (خیال پردازی واسطه بودن میان خدا و انسان، داشتن جسمی که پرتوهای آسمانی در آن رخته کرده اند، خیال پردازی «زن بودن»).

میراث بران این سنت پارانوایی «شر» تهدید کننده در سده نوزدهم، همان نمایندگان «رنسانس آمریکایی» اند؛ به خصوص هوثورن و ادگار آلن پو. در حالیکه در همان دوران، والت ویتمن<sup>۱۱</sup> منطقی باژگونه از شعرشناسی را که در جایی دیگر محل اعتبارست به کار می گیرد و در برابر غیر خوش بینی و گشادگی نشان می دهد. «قدرت ظلمات» همچنان ذهن ناتانیل هوثورن<sup>۱۲</sup> را به خود مشغول می دارد، همان قدرتی که مایه عذاب نیاکانش در نیوانگلند بود و ملویل<sup>۱۳</sup> از آن به عنوان «حس کالونی» (Calvinist) شرارت و هرزگی فطری و احساس گناه نخستین یاد می کند. گویا این حرف قرمز نارنجی<sup>۱۴</sup> بر آزار و اذیت زنی زناکار، در فضایی تاریک - روشن،

بر تناسخ جادوگر و بر معناگزاری حرف پر رمز و راز «آ» در یک عبارت پردازای به غایت کنایی و نمادین تکیه دارد، این کتاب قصص<sup>۱۵</sup> است که به بهترین وجه ممکن روان پریشی پارانویایی را به تصویر می کشاند.

از باب نمونه از باب بر اون پسر<sup>۱۶</sup> در جای جای خود با پیش کشیدن دوران تاریخی تیره و تار سالم<sup>۱۷</sup> که در آن زنان به پای چوبه دار فرستاده می شدند، دقیقاً ساز و کار فرافکنی اش را درون روان پریشی، بازنمایی می کند. در سرتاسر تاریخچه [زندگی] مردی که با شگفتی هر چه تمامتر «مهین بانوی ایمان» خودش را در «فرصت جادوگری» جادوگران کشف می کند و بدگمانی ناشی از آن در قبال اجتماع، ما در واقع با بازگویی کشاکشی درونی رو برو هستیم: کشاکش میان «خود» آرمانی که همه کمالات در دید تصرف اوست و یک «خود» دیگر، خودی هبوط یافته و گناهکار و از این رو فراموش شده و ناشناس و محدود به برون، خودی که به اطرافیان و همراهان نسبت داده می شود. بر اساس سخن فروید چیزی که در درون بر افکنده شود از بیرون باز می گردد. «حجاب سیاه کشیش»<sup>۱۸</sup> که روایت فرد گناهکاریست که در همه عمرش سیمای خود را در پس پارچه کرپ سیاهی پنهان کرده بود تا «گناهان پنهانی و اسرار هولناک و اندوهباری را که می کوشیم سرکوبشان کنیم» بر ملا کند، بر شالوده جدایی همانند یعنی جدایی میان امر دیدار پذیر و امر دیدار ناپذیر و فرافکنی عواطف ناگوار در بیرون حجاب، استوار است. امروز ریک مودی<sup>۱۹</sup> بخصوص در آخرین رمانش در جستجوی حجاب سیاه خلف بلا فصل این اهریمن شناسی است. این کتاب هر چند تفسیری منطقی و خردپذیر از داستان هوثورن عرضه می کند، گویی این داستان متنی است کد گذاری شده، در عین حال به بیم های عقل ستیزانه در برابر مردی روبنده پوش در متروی نیویورک، جنگل مولای پوریتنی مدرن و حالت وحشتزدگی ناشی از این دلهره که مبادا قربانی تجاوز جنسی شود، اذعان می کند.

احساس خطر در رابطه با جهان بیرون، جهانی که همیشه «خصم» بالقوه است، در اینجا با اضطراب «حریم گذری»، رخنه از طریق ورود به عنف و خلع ید شدن

به وسیلهٔ ابژه همراه است که همه آنها می توانند در زمره ویژگی های خاص بیمار پارانویایی قرار گیرند.

ادگار آلن پو، هم روزگار هوثورن، گرچه جنوبی است یکی دیگر از نویسندگان بزرگ روان پریشی، «اهریمن انحراف» محسوب می شود - که در خیلی از قصه هایش از باب نمونه - گربه سیاه - به وضوح از آنها سخن می گوید - واجد نگره ها و رفتارهای آسیب شناختی دیگر هم هست، همچون توهم، هراس (فوبی) و وسواس فکری. بعد پارانویایی اثرش، بخصوص در کثرت زوجها به مثابه تکیه گاههای فرافکنی ها و نفرت سوژه رخ می نمایند. واقعیت اینست که شمار داستان گزارانی که آزارگری دوگانه امانشان را بریده است و قادر نیستند گریبانشان را از چنگ آن برهانند، خیلی زیاد است، چشم خبیث یا خود خبیث در [کتاب] قلب نمایانگر<sup>۲۰</sup> و یا هم آوایی دو گانه ویلیام ویلسون<sup>۲۱</sup> از آن جمله اند. بعضی منتقدان حتی در این پرسوناژها که زندانی خیال پردازی ها و سناریوهای هذیانی شان هستند، پیشروان و پیشاهنگان عصر اطلاعات، عصر رسانه ها، کدها و جهان مجازی را می بینند.

**عصر توطئه.** در واقع چنین می نمایاند که رمان امریکایی در نیمهٔ دوم سده بیستم تنها گرایش ها و امیال و افراط پارانویایی امریکای آغازین را تشدید کرده و فرمول بهت انگیز و شگفتی آور امرسون را در رساله هایش پرورانده است. «جامعه در همه جا توطئه ای را بر ضد مردم دوستی تک تک اعضایش به راه می اندازد». این درهم برهمی ذهنی که واقعیت جنگ سرد، یعنی جهانی که دو نیم شده است، همچون سپهر دو قسمت شده [افراد] پارانویایی مایه دلگرمی آن است و دشواری دم فزون اندیشیدن درباره نظام جهانی روزگار ما در کلیت آن، تسهیلش می کند و ترور جان اف. کندی، رئیس جمهور «امر خیر»، واجد همه کمالات ممکن، در ۱۹۶۳ به آن دامن می زند، همزمان هم به فرهنگ و هم به سوژه اصلی نویسندگان بزرگ امریکایی تبدیل گشته است، از باب نمونه آرتور میلر که در جادوگران سالم<sup>۲۲</sup> میان محاکمات ۱۶۹۲ و مک کارتیسسم وجه تشابه بر قرار می کند، توماس پینچون

که در هر اثرش تنش پارانوایی چیرگی بر درهم برهمی (آنتروپی) و از میان بردن شر را بازگو می کند، یا یک پارانوایی خلاق یا عملیاتی که در رنگین کمان جاذبه<sup>۲۳</sup> به عنوان بازتاب جستجوی نظم های دیگر در پس «امردیدارپذیر» تعریف می شود. دست آخر اینکه دان دلیلو که در هر کتاب شیخ آسا و شاید هم دریافت ناپذیرش که در جای جاییشان و سواس فکری، در رابطه با دستکاری، کنترل، آشفتگی رسانه ای، نشانه ها و دهشت موج می زند، می تواند بعنوان شرح و بسط عبارت زیر که در کتاب سگ جربی<sup>۲۴</sup> آمده است خوانده شود «مادر عصر توطئه هستیم در عصر پیوستگی ها، پیوندها و رابطه های مرموز». ♦ ♦ ♦

\* بثاتریس پیر استاد ادبیات آمریکایی در پاریس.

1. United States of Paranoia, Béatrice Pire.

2. Norman Mailer

3. Thomas Pynchon & Don DeLillo

4. Le Complot Contre L'Amérique

۵. Puritan پیوریتن عضو فرقه ای از پروتستانهای انگلستان در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی که خواستار حذف خرافات و مخالف روحانیون بودند.

۶. Manifest Destiny نظریه ای در قرن نوزدهم که تسلط بر نیمکره غربی را سرنوشت خلق های آنگلو ساکسون می دانست. مترجم

7. Cotton Mather

8. Les Merveilles du monde invisible

9. Puritains

10. La Persécution et l'Art décrire

11. Walt Whitman

12. Hawthorne

13. Melville

14. La lettre écarlate

15. Contes

16. Maître Brown fils

17. Salem

18. Le Voile noir du Pasteur

19. Rick Moody

20. Cœur révélateur

21. William Wilson

22. Les Sorcières de Salem

23. L'Arc-en-Ciel de la gravité



پروفیسر ایم ایم انسانی و مطالعات فرہنگی

رسالہ مطالعات فرہنگی